نگاهی به تشبیه و کنایه در کتاب نفثهٔ المصدور

دکتر فریده کریمی موغاری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ورامین

سعید قنبری فشی

کارشناس ارشد دانشگاه آزاد ورامین

چکیده

نفثهٔ المصدور کتابی است تألیف محمد زیدری نسوی (۶۳۲هـ) که منشی سلطان جلال الدین خوارزم شاه بود. او در آخرین جنگ های شاهزاده شجاع با مغولان همراه او بود و خاطرات خود را از این شکست نوشته است و از این رو نفثهٔ المصدور کتابی تاریخی ادبی است. از طرفی در تاریخ قتل و غارت مغولان است و از سویی عواطف خود را نسبت به مخدوم خود (سلطان جلال الدین) ایراد نموده است.

این کتاب یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و از نمونه های عالی نثر مصنوع و منشیانه در قرن هفتم است.

راوی کتاب بر آن است تا با شیوه‌ی تاریخ گویی، آفرینش هنری و به کارگیری دلنشین، کلمات و عبارات به اوج بالندگی برسند. ترکیب های وصفی، استعاری و کنایی در لایه های نهفته و آشکار واژگان این کتاب تنیده شده است. در این جستار به بررسی تشبیهات و کنایات به کار رفته در این اثر ماندگار می پردازیم.

کلید واژه: نفثهٔ المصدور، تشبیه، کنایه، نثر فنی

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۹۹ ◇◇◇

هم و به عبارت دیگر یافتن صفت مشترکی است بین دو چیز. مایه اصلی تشبیه، اغراق و خیال انگیزی است و همین اغراق و خیال انگیزی است که تشبیه ادبی خیال انگیز را از مقایسه ادبی تشبیه گونه متمایز می کند.» [احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۴]

یکی از مهم‌ترین فنونی که نسوی در کتاب گرانقدر خود به کار برده است استفاده از تشبیهاتی است که به کمک آنها توانسته است ذهن مخاطب را به آنجا که مورد نظرش است برساند. و در این راه سعی کرده است که از آوردن تشبیهات کهنه و ساده و طبیعی دوری ورزد تا با استفاده از تشبیهات نو و دور از ذهن به نثر خود امتیازی خاص بخشد و در آن تنوعی به وجود آورد، و این جمله اسباب و عللی است که نثر وی را از سادگی و روانی به نثر مصنوع و متکلّف تبدیل کرده است. حال انواع تشبیه به کار رفته در این اثر هنری را بر می شماریم:

۲ـ۱. محسوس به محسوس:

«دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به ممکن است هر دو حسی باشند و مقصود از حسی چیزی است که به یکی از حواس پنجگانه (دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و بسودن) ادات شود مانند: خدّه کالورد جلده کالحریر.» [ماهدخت بانو همایی، یادداشت های استاد علامه جلال الدین همایی درباره معانی و بیان، ۱۳۷۳: ۱۴۴]

* سنان سرافراز به مثال زور آزمایان سرافراز گشته. ص۲، س۱و۲.
*تن در تکالیف دهر غدّار مانند چشم خوبان ناتوان. ص۷، س۳.
* و صاعقه ای که سیلاب خون بر حزن و سهل راند، سهل نی. ص۱۲، س۱۴.
* کوه بر مثال مجرمان با کفن و تیغ در پای سلطان میغ افتاده. ص۹۹، س۱۱.
* و انتمای آن بچه شیر در بیشه‌ی نیزه و شمشیر بوده است. ص۷۲، س۱۱.
* و بپیش خورد سگان تاتار دهان بیالود. ص۶۱، س۳.

۲۰۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۰۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲ـ۹. مقید به مقید:

«مشبه و مشبه به هر دو تنها یک چیز هستند و هر دو همراه با صفت یا مضاف الیه یا قید می باشند. [قاسمی، ۱۳۸۶:۳۲۵]

* تا أرض با طول و عرض بر ایشان، چون چشم و حوصله ایشان تنگ کرد. ص۳۰، س۵.

* این بنا اساسیست که بر «شفا جرفِ هارِ» نهاده است و تخمیست که در زمین شوره انداخته. ص۶۰، س۱و۲.

* جگر گوشه مسلمانان را چون سبایای شرک بر نخاس بثمن بخس می فروخت. ص۶۰، س۱۱.

* و این معنی در خلال آن حلال زاده... در همه روم و شام چون کفر ابلیس و فسق لاقیس چنان مهجور شده است که.... ص۶۲، س۸.

و موارد دیگر: ص۶۱، س۶؛ ص۶۱، س۱۱؛ ص۸۷، س۴؛ ص۹۲، س۱۳...

این نوع تشبیه در کتاب نفثة المصدور ۲۶ مورد یافت شده است.

۲ـ۱۰. مرکب به مرکب:

«منظور از مرکب در اینجا گروه کلمات و جمله هایی است که در آن چند مفهوم مفرد، حالت و هیئتی واحد از مفاهیم را تشکیل داده باشند. در حقیقت یک مجموعه به مجموعه دیگر مانند می شود.» [احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۳۳]

* دشمن ممالک فصیح و عریض را (ع) طی التُّجار بحضرموت برودا، در می نوردید. ص۳۰، س۴.

* گرداگرد خرگاه جهانگیر، احاطة الدائرة بنقطة المرکز، چنان فروگرفته بودند.... ص۴۲، س۶.

* چند خسته‌ی پای شکسته‌ی از زیر شمشیر جسته، بدو پناه برده بودند و خلقی از نفایات سنان و سیف و بقایای منون و حیف (ع) کالمستجیر من الرمضاء بالنّار، بیش از من در قفا در آمده. ص۵۹، س۹.

و موارد دیگر: ص۲۹، س۹و۱۰؛ ص۳۳، س۱و۲؛ ص۳۳، س۵؛ ص۱۱، س۱۲...

این نوع تشبیه در کتاب نفثة المصدور ۲۰ مورد یافت شده است.

۲ـ۱۱. تشبیه تمثیلی و مُمَثَّل:

«تشبیهاتی که از یک مجموعه انتزاع می شوند، عمدتاً آنها را تشبیه مرکب می گویند و قدما بر اینها «تمثیل» اطلاق کرده اند. تشبیه تمثیلی یا مرکب، یعنی تشبیه کردن شیء به هیئتی و آن، در واقع، انتزاع تمثیلی است از شیء مرکب و بعد انجام دادن عمل تشبیه. به عبارت دیگر، به جایِ در نظر گرفتن یک چیز چند چیز در نظر گرفته می شود و بعد به جای آن که یک یک تشبیه شود، مجموعاً تشبیه می گردد و وجه شبه هم هیئتی است که انتزاع می شود. و این برخلاف تشبیه متعدد است که یک یک تشبیه می گردد و وجه شبه آن هم هیئت نیست بلکه چند چیز متعدد مختلف است.» [سیدمحمد دبیر سیاقی، تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر، ۱۳۸۶: ۱۸]

* خلقی از نفایات سنان و سیف و بقایای منون و حیف (ع) کالمستجیر مِنَ الرمضاء بالنّار، پیش از من در قفا در آمده. ص۵۹، س۹و۱۰.

* [صاحب آمد] ذباب وار بر صید ذئاب بنشست، مانند روباه خسیس، بضراحات قنیصه شیر سیر گشت. ص۶۱، س۳.

*و بعداز آنکه آنچه با من بود ـ و خود چه مانده بود؟ ـ چون سیر از پوست بیرون کشیده و از پس مانده تاتار چون موی از خمیر بیرون آورده. ص۹۳، س۹.

و دیگر موارد: ص۶۶، س۴؛ ص۶۶، س۵؛ ص۶۹، س۱۱...

۲۰۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۰۹ ◇◇◇

* تا ارض با طول و عرض برایشان، چون چشم و حوصله ایشان تنگ کرد. ص۳۰، س۵.

موارد دیگر: ص۳۲، س۶ و۱۲؛ ص۴۲، س۱؛ ص۶۰، س۱و۲...

این نوع تشبیه در کتاب ۱۲ مورد یافت شده است.

۲ـ۱۹. تشبیه رسا (بلیغ):

«تشبیهی است که مانروی و مانواژ هیچیک در آن آورده نشده باشند. به سخنی دیگر، تشبیه رسا از سویی مجمل و از سوی دیگر استوار است. گاه تشبیه رسا در آمیغی بر افزوده (ترکیب اضافی) به کار برده می شود؛ بدان سان که یکی از دو سوی تشبیه به دیگری برافزوده می گردد. این آمیغ همان است که در دستور زبان آن را «اضافه تشبیهی» می خوانند. [کزازی، ۱۳۸۵: ۷۳]

* صندوق استخوان را که ایوان کسری روحست. ص۵۵، س۹.

* این بنا اساسیست که بر «شفا جرفِ هارِ»، نهاده است و تخمیست که در زمین شوره انداخته. ص۶۰، س۱و۲.

* شجره شمشیر که بهشت در سایه اوست چون درخت دوزخیان سر بار آورده. ص۱، س۱۱.

* آبستنان لیالی را هر لحظه اگر چه حاله معین شده حبلی را.... ص۲، س۴.

* یمانی در قراب رقاب جایگیر آمده. ص۲، س۷.

و موارد دیگر: ص۲۶، س۳ و۴؛ ص۴۵، س۶و۷؛ ص۱، س۳و۴؛ ص۳، س۷ و...

تشبیه بلیغ در کتاب نفثة المصدور ۱۶۷ مرتبه یافت شده که ۱۵۶ مورد آن به صورت اضافه تشبیهی به کار رفته است.

۲ـ۲۰. تشبیه معکوس یا مقلوب:

دکتر تجلیل در توضیح این تشبیه آورده اند: «این اصلی است در علم منطق که

۲۱۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۱۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۱۵ ◇◇◇

زاغست و زغن. ص۲۱، س۶ و ۹.

آواز زاغ و زغن بودن در جایی کنایه از وجود کشته های زیاد، نبود آسایش و آرامش و خوشی.

این نوع کنایه در کتاب نفثهٔ المصدور ۳۵مورد یافت شده است.

۳ـ۶. ایماء:

«کنایه ای است که میانجیها در آن اندک، و خواست سخنور از آن آشکار باشد. به سخن دیگر، راه بردن از بایسته (لازم) به بایا (ملزوم) به آسانی انجام بگیرد.» [کزازی، ۱۳۸۶: ۱۷۰]

* صبح سعادت عمّا قریب چشم مدار. ص۶، س۱۶.

چشم داشتن کنایه از منتظر بودن.

* تا این دو روی تیززبان در میان شد آمد گرفته، سلامت پای بر کران نهاده. ص۱، س۱۲.

پای بر کران نهادن کنایه از دور شدن.

* کار امروز را به فردا میفکن، هر چند امروز را فرداست. ص۷، س۱.

کار امروز به فردا افکندن کنایه از سستی و تنبلی.

موارد دیگر در کتاب نفثهٔ المصدور: ص۳، س۹؛ ص۳، س۱۳؛ ص۴، س۲؛ ص۴، س۳؛ ص۵، س۲؛ ص۵، س۳؛ ص۵، س۷....

کنایه از ایماء در این کتاب ۵۵۷ مورد یافت شده است و این نوع کنایه یکی از پرکاربردترین در کتاب نفثهٔ الصدور است.

۲۱۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۱۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۲۲۱ ◇◇◇